ارزیابی تاثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ (قانون مالیات های مستقیم) بر سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها به شهرستان‌های کمتر توسعه یافته کشور

یگانه موسوی جهرمی [۱]
سیدحسین ایزدی [۲]
محمدرضا رضوی [۳]
فرهاد خداداد کاشی [۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

چکیده

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از مشوق‌های مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد همواره مالیات پایین‌تر، آسان‌ترین راه‌حل انتخاب شده توسط مقامات دولتی و ایالتی، برای تاثیرگذاری بر اقتصاد محلی می‌باشد. با این‌حال فراهم کردن شرایط و چارچوب منسجمی از مشوق‌های مالیاتی جهت تقویت سرمایه‌گذاری، رشد تولید و افزایش اشتغال، یکی از مسایلی است که همچنان به صورت یک سوال باز، مورد بررسی بسیاری از محققان در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته می باشد و سیاستگذاران اقتصادی و به ویژه مقامات مالی را با چالش مواجه کرده است. از یک طرف اثربخشی چنین مشوق‌های مالیاتی به عنوان بسته سیاستی در مقایسه با هزینه‌های آن قابل تامل بوده و از طرف دیگر تئوری‌های اقتصادی کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری را مورد توجه جدی خود قرار داده‌اند. هدف این مطالعه بررسی تاثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها به شهرستان‌های کمتر توسعه یافته کشور، برای دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۵می‌باشد. روش استفاده شده در این مطالعه روش گروه کنترل ترکیبی (SCM) می‌باشد. در این روش به منظور محاسبه نتایج در حالت عدم بهره‌مندی شهرستان‌های درمان از معافیت‌های مالیاتی مذکور، از ترکیب وزنی نتایج شهرستان کنترل (شهرستان‌هایی غیرمشمول معافیت‌های مالیاتی مدنظر) استفاده می‌شود. وزن‌های بهینه به طور سیستماتیک و از یک فرایند بهینه یابی حاصل می‌شوند. نتایج این مطالعه حکایت از این دارد که معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ تاثیری بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های کمتر توسعه یافته کشور نداشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مناطق کمتر توسعه یافته، معافیت‌های مالیاتی، روش SMC، روش PSM

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور mosavi@pnu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور Izadi_hosein@hotmail.com
۳. استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی mrazavi@itsr.ir
۴. استاد گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور khodadad@pnu.ac.ir

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

۱- مقدمه

نابرابری‌های جغرافیایی یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی دولت‌ها، خصوصا در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. درحالی‌که برخی از مناطق این کشورها از رشد و توسعه بالایی برخوردار هستند، در مقابل درآمد سرانه پایین، سطح آموزش پایین، بیکاری بالا، محرومیت از خدمات اجتماعی و اقتصادی و... ویژگی مناطقی می‌باشد که اصطلاحا به آنها مناطق محروم گفته می‌شود. عدم برخورداری مناطق محروم از رشد و توسعه، باعث شده تا در این مناطق پتانسیل فراوانی جهت ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی وجود داشته باشد. به همین دلیل در طی چند دهه گذشته دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا با طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی، موجبات رشد و توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته و محروم اقتصادی را فراهم آورند. مشوق‌های مالیاتی هدفمند، یکی از این سیاست‌ها هستند که در دهه‌های اخیر توسط کشورهای در حال‌توسعه و حتی توسعه‌یافته برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم از آن‌ها استفاده شده‌است.

مشوق‌های هدفمند منطقه‌ای به‌طور عموم مناطقی را به عنوان هدف تعیین می‌کنند (عمدتا مناطق محروم اقتصادی) و در این مناطق مالیات پایین‌تر و یا مقررات کمتری در مقایسه با سایر مناطق اعمال می‌کنند. با نادیده گرفتن برخی از هزینه‌های اجتماعی، معنای یک منطقه محروم اقتصادی این است که فعالان اقتصادی در این مناطق با هزینه‌های بالاتر و موانع بیشتری برای انجام فعالیت روبه‌رو هستند این هزینه‌ها شامل عدم وجود زیرساخت‌های کافی، نبود نیروی کار متخصص، هزینه‌های بالای اجتماعی و هزینه‌های محیطی می‌باشند. وجود این هزینه‌های اضافی باعث می‌شود تا شرکت‌ها در هنگام تصمیم‌گیری در مورد مکان احداث، تمایل کمتری برای فعالیت در این مناطق داشته باشند. یک مشوق هدفمند منطقه‌ای در واقع یک ابزار سیاسی برای غلبه بر این هزینه‌ها و موانع اقتصادی می‌باشد.

از آنجا که مطابق ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد ابرازی مشمول مالیات فعالیت‌های تولیدی و معدنی در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صددرصد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال از پرداخت مالیات معاف هستند[۱]، دولت علاوه بر تحمل هزینه‌های اعمال و اجرای مفاد ماده قانونی مذکور، درآمدهای مالیاتی

۱. آنچه در این مطالعه مورد نظر است اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ هیات وزیران می‌باشد که به موجب آن درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش‌های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه‌های ذی‌ربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صددرصد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده (۱۰۵) این قانون معاف هستند. هدف این سیاست تشویقی، جذب سرمایه‌گذاران جدید، توسعه هدفمند بخشی (صنایع و کارخانجات) و توسعه هدفمند منطقه‌ای (مناطق کمتر توسعه یافته) می‌باشد. البته در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تغییراتی در ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم ایجاد شد که بر اساس آن درآمد ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی اشخاص حقوقی غیر دولتی در واحدهای تولیدی یا معدنی که از ابتدای سال ۱۳۹۵ از طرف مراجع قانونی ذی‌ربط برای آنها پروانه بهره‌برداری صادر و یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج و

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

نیز از دست می‌دهد. بنابراین، بررسی تاثیر برقراری چنین مشوق‌های هدفمندی در قالب معافیت‌های مالیاتی، بر متغیرهای اقتصادی و تحرک فعالیت‌های اقتصادی در مناطق کمتر توسعه یافته کشور (مناطق هدف) ضرورت دارد.

بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر مشوق‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها در مناطق کمتر توسعه یافته کشور انجام شده است. روش استفاده شده در این مطالعه روش گروه کنترل ترکیبی[1] می‌باشد. این روش که اولین بار توسط آبادی و گردزبال (۲۰۰۳) معرفی گردید، یک روش مناسب برای مواجه با مشکل تورش[2] انتخاب است. مزیت این روش نسبت به روش‌های دیگر ارزیابی سیاست این است که قادر به کنترل عوامل مختل‌کننده غیر قابل مشاهده و متغیر در طی زمان (که احتمالا باعث اختلاف واحدهای درمان و کنترل می‌شود) می‌باشد.

جنبه نوآورانه این مطالعه ترکیب روش گروه کنترل ترکیبی (SCM) با مدل PSM می‌باشد. به این صورت که در قبل از استفاده از روش SCM با استفاده از مدل PSM احتمال مشارکت در برنامه (نمره‌های گرایش) محاسبه می‌شوند و از این نمره‌های گرایش به عنوان یک متغیر پیش‌بینی کننده در مدل SMC استفاده می‌شود.

ساختار این مقاله به این صورت است که در ادامه ابتدا مبانی نظری ارایه می‌شود. بخش سوم به پیشینه تحقیق اختصاص دارد. در بخش چهارم روش گروه کنترل ترکیبی، که به منظور تخمین تاثیر معافیت‌های مالیاتی از آن استفاده می‌شود، ارایه می‌شود. در بخش پنجم نتایج تخمین مدل ارایه می‌شود و در انتها جمع‌بندی مطالب ارایه می‌شود.

۲- مبانی نظری

استفاده از مشوق‌های هدفمند منطقه‌ای، در طی دهه‌های اخیر رایج شده است به‌طوری‌که دولت‌ها از این مشوق‌ها، به عنوان ابزاری برای توسعه منطقه‌ای استفاده می‌کنند. به‌طور کلی مشوق‌های هدفمند منطقه‌ای، برنامه‌هایی هستند که در آن‌ها دولت، مشوق‌هایی را برای ورود و یا توسعه کسب و کارها در

فروش به مدت پنج سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ده سال با نرخ صفر مشمول مالیات می‌باشد (قانون مالیات‌های مستقیم،۱۳۹۴). چنان‌که ملاحظه می‌شود اصلاحیه مذکور در مدت زمان برخورداری شرکت‌های واقع در مناطق کمتر توسعه یافته از معافیت‌های مالیاتی موضوع این ماده، اثری نداشته است.

1. Synthetic Control Method (SCM)

۲. مساله تورش انتخاب، یک مشکل بنیادین در ارزیابی سیاست‌های حمایتی است. این مشکل اساسا از آنجا ناشی می‌شود که مجبور می‌شویم از نتایج گروه کنترل به منظور آنچه که برای واحدهای درمان در صورت عدم مشارکت در برنامه رخ می‌دهد، استفاده کنیم اما از آنجا که گروه کنترل واقعی معمولا در اختیار محقق نیست، نتایج گروه کنترل ممکن است به‌طور سیستماتیک متفاوت از نتایج واحدهای درمان باشد (عمدتا به دلیل عدم وجود آزمایشات تصادفی و تفاوت‌های غیر قابل مشاهده).این اختلاف به تورش انتخاب معروف است (کشاورز، ۱۳۹۵).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

مناطق هدف تدارک می‌بینند. هدف اولیه همه این تمهیدات، تشویق برای تجمیع سرمایه در یک فعالیت، یا منطقه خاص و افزایش فرصت‌های شغلی برای افراد ساکن این مناطق می‌باشد.

با وجود آنکه مشوق‌های توسعه منطقه‌ای، به اشکال مختلفی مانند مقررات آسان‌تر، اصلاح زیرساخت‌ها، اعتبارات مالی برای ایجاد شغل و ... اعطا می‌شوند، اما استفاده از سیاست‌های مالیاتی (مانند معافیت‌های مالیاتی) همواره در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای جایگاه ویژه‌ای داشته است به‌طوری‌که یکی از معیارهای تعیین و تدوین قواعد مالیاتی هر کشور چگونگی تاثیر آن‌ها در توسعه اقتصادی است.

مبانی نظری معافیت‌های مالیاتی هدفمند منطقه‌ای به مباحث متعددی مانند توسعه اقتصادی منطقه‌ای، تصمیم‌گیری شرکت‌ها در مورد انتخاب محل استقرار، شکست بازار و تبعیض مالیاتی، مرتبط است. بنابراین، در این بخش در حد لزوم به مباحث مذکور پرداخته می‌شود.

توسعه اقتصادی منطقه‌ای

به لحاظ تاریخی بهره‌مندی از سیاست‌های توسعه منطقه‌ای به قبل از قرن بیستم برمی‌گردد. بدین معنا که دولت‌های محلی و منطقه‌ای همواره علاقه‌مند به جذب سرمایه‌گذاری و تامین امنیت مناطق تحت اداره خود بوده‌اند، اما شاید اولین تلاش نوین برای ایجاد ابزاری که روی چنین رشدهایی تاثیرگذار باشد، انتشار اوراق قرضه توسعه صنعتی[1] توسط مقامات محلی ایالت می‌سی‌سی‌پی در سال ۱۹۳۶بود. پس از آن، برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ در کالیفرنیا روش تامین مالی توسط مالیات‌ها، به عنوان روش تامین مالی عمومی، به منظور جذب فعالیت‌های جدید، بازسازی و توسعه مجدد زیرساخت‌ها و دیگر فعالیت‌های عمرانی، و در نهایت برای توسعه مناطق معرفی شد (هالتکوئیست، ۲۰۰۷).

سیاست‌های مالیاتی، که عمدتا به شکل معافیت‌های مالیاتی اعطا می‌شوند، به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیر مستقیم دولت، می‌تواند از طریق تاثیر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای نقش کلیدی ایفا کند. مشوق‌های مالیاتی موثر، هزینه‌های عملیاتی منطقه هدف را به اندازه کافی کاهش می‌دهند که این منجر به افزایش شکل‌گیری فعالیت‌ها، و کاهش خروج فعالیت‌ها از منطقه هدف می‌شود. انتظار بر این است که مقادیر متغیرهایی مانند اشتغال، دستمزد، تعداد شرکت‌ها، مخارج سرمایه‌گذاری و فروش در یک منطقه هدف بالاتر از مناطق مشابهی باشند که این مشوق‌ها را دریافت نمی‌کنند. با این‌حال به دلیل تاثیری که مشوق‌های مالیاتی در برهم‌زدن انتخاب‌های بازار دارند، تاثیرات آن‌ها روی متغیرهای مختلف، یکسان نمی‌باشد. مشوق‌هایی که به مناطق خاص اعطا می‌شوند، از دو طریق، قیمت استفاده از عوامل تولید را تغییر می‌دهند (گرینبام و انگبرگ، ۲۰۰۴).

1. Issuance of Industrial Development Bonds (IDBs)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

الف) مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌ها، قیمت نسبی عوامل تولید را تغییر می‌دهند. در نتیجه شرکت‌ها به سمت جایگزین کردن عاملی می‌روند که بیشتر یارانه دریافت می‌کنند. تغییرات در سطوح اشتغال و دستمزد به ترکیب مشوق‌های نیروی‌کار در برابر سرمایه و کشش عرضه نیروی‌کار بستگی دارد (پاپکه، ۱۹۹۳).

ب) همچنان‌که مشوق‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، میزان استفاده از عوامل تولید تحت تاثیر قرار می‌گیرد. استفاده از مشوق‌ها باعث می‌شود که قیمت عوامل غیر متحرک تولید، مانند زمین، افزایش یابد. اگر بازار عوامل تولید کارا باشد، قیمت عوامل تولید در یک منطقه هدف به گونه‌ای تعیین می‌شود که نرخ سود درون منطقه هدف با نرخ سود در خارج منطقه هدف، برابر شود. حتی اگر قیمت عوامل تولید برای ثابت نگه‌داشتن سود به اندازه کافی افزایش یابد، مالیات پایین‌تر و قیمت‌های بالاتر زمین، باعث جذب فعالیت‌هایی می‌شوند که سرمایه‌برتر هستند و بنابراین استفاده‌کنندگان از زمین تمایل به جانشینی سرمایه به جای زمین دارند و در نتیجه مقادیر سرمایه در درون منطقه هدف افزایش می‌یابد (بارتیک، ۱۹۹۱).

مشوق‌های مالیاتی که به مناطق خاص داده می‌شوند، همچنین به‌طور غیر مستقیم روی فعالیت‌هایی که به آن‌ها مشوق اعطا نمی‌شود تاثیر می‌گذارند. اگر شرکت‌های خارج از منطقه هدف از عدم مزیت رقابتی رنج ببرند، آسیبی که از این امر به مناطق هدف می‌رسد، می‌تواند از تاثیرات مثبت مشوق‌های مالیاتی بیشتر باشد. به عبارت دیگر رشد داخل مناطق هدف ممکن است به جای اینکه جانشین رشد مناطق دیگر باشد مکمل رشد آن‌ها باشد. در واقع شرکت‌های واقع در حومه از یک هسته شهری قوی منفعت می‌برند و برعکس (ویت، ۱۹۹۶).

به علاوه، شایان ذکر است که برنامه‌های EZ[1] از جمله متداول‌ترین ابزارهای توسعه اقتصادی منطقه‌ای هستند. ایجاد مناطق EZ یکی از مکانیزم‌های مهمی است که بوسیله آن دولت‌های ایالتی و فدرال تلاش می‌کنند توسعه اقتصادی مناطق هدف (عمدتا مناطق محروم اقتصادی) را ارتقا دهند. EZ برنامه‌هایی هستند که دولت‌ها از طریق آن‌ها مشوق‌هایی را برای سرمایه‌گذاران و کسب و کارها برای واقع شدن در مناطق هدف و توسعه این مناطق فراهم می‌آورد. یکی از اهداف این برنامه‌ها بهبود اشتغال ساکنان مناطق هدف، خصوصا آن‌هایی است که مهارت پایینی دارند و توانایی تحرک برای پیدا کردن شغل ندارند. برای انتخاب یک منطقه به عنوان EZ، اغلب لازم است تا این منطقه دارای نرخ رشد پایین‌تر از متوسط بوده و یا برخوردار از ساختار خاصی باشد (الوری، ۲۰۰۷).

۱. کشورهای مختلف (به طور مثال ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه) در چند دهه گذشته امتیازات مالیاتی خود را در قالب بسته‌هایی، معروف به برنامه‌های (Enterprise Zone)، ارایه کرده‌اند. در واقع برنامه EZ شامل مشوق‌های مالی می‌شوند که دولت برای توسعه اقتصادی مناطق هدف اعطا می‌کنند. به عنوان مثال در امریکا از ابتدای دهه ۱۹۸۰ در اکثر ایالات، برنامه تجدید حیات اقتصادی مورد اجرا گذاشته شد. در واقع مقصود از این برنامه‌ها رشد مناطق هدف، به کمک برقرای انواع امتیازات مالیاتی بوده‌است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

تصمیم‌گیری شرکت‌ها در مورد انتخاب محل استقرار

مبانی نظری اعطای مشوق‌های هدفمند منطقه‌ای را می‌توان در مبانی نظریه تصمیم‌گیری شرکت‌ها در مورد انتخاب محل احداث، جست‌وجو کرد. به‌طور معمول، شرکت‌ها در هنگام انتخاب محل احداث، با مکان‌ها و انتخاب‌های متعدد و به تبع آن با هزینه‌های متفاوت مرتبط با محل احداث روبه‌رو هستند. بدیهی است آنها (با فرض ثابت بودن سایر عوامل) مکانی را انتخاب خواهند کرد که کمترین هزینه را نسبت به سایر مکان‌ها داشته باشد. هر چند که شرکت‌های فردی انتخاب‌های بهینه‌ای را با توجه هزینه‌هایی که با آن روبه‌رو هستند انجام می‌دهند، اما مجموع این تصمیمات لزوما منجر به نتایج بهینه برای کل اقتصاد نمی‌شود. گاهی تصمیمات بهینه فردی شرکت‌ها در مورد محل احداث باعث تاثیر منفی روی اقتصاد، جامعه و افراد می‌شود. شرکت‌ها در غیاب مداخله دولت، مناطقی را برای احداث انتخاب می‌کنند که از شرایط و زیرساخت‌های مطلوب‌تری برخوردارند اما این تصمیم بهینه، منجر به نتایج منفی اقتصادی (مانند کاهش ارزش املاک، بیکاری بیشتر، دستمز پایین‌تر، بدتر شدن زیرساخت‌ها، افزایش جرم و جنایت و...) برای مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم می‌شود. به‌علاوه این تاثیرات ممکن است تنها محدود به مرزهای جغرافیایی مناطق توسعه نیافته نباشد و سرریز آن به مناطق مجاور نیز سرازیر شود. هرچند نظریه تصمیم سازی شرکت‌ها در مورد محل احداث، توجیه کننده اعطای مشوق‌های مالیاتی می‌باشد.

شکست بازار

بعضا عنوان می‌شود مهمترین نظریه در مورد چرایی اعطای مشوق‌های مالیاتی هدفمند منطقه‌ای، نظریه شکست بازار است؛ عدم وجود امکانات اولیه در مناطق محروم هزینه اضافی را به شرکت‌هایی که داخل یا در مجاورت این مناطق فعالیت می‌کنند، تحمیل می‌کند. چنانچه این محرومیت‌ها از بین برود این مکان‌ها برای فعالیت جذاب خواهند شد، اما همانند مورد کالای عمومی، بعید است که مکانیسم معمول بازار این محرومیت‌ها را از بین ببرد چرا که هزینه حذف آن‌ها آنقدر بالاست که انجام آن برای شرکت‌های فردی سودآور نمی‌باشد، به‌علاوه شرکت‌های واقع در مناطق مجاور، که از سرریز فعالیت‌ها متاثر می‌شوند، از مشارکت در این مورد خودداری می‌کنند مگر آن‌که مکانیسمی وجود داشته باشد تا به‌طور موثر هزینه‌ها را میان مشارکت‌کنندگان تقسیم کند و مانع از بروز مساله سواری مجانی شود. این نوع نگرش، که مساله را به‌عنوان یک کالای عمومی مطرح می‌سازد، باعث می‌شود که پای دولت به میان کشیده شود. به‌طور ویژه دولت می‌تواند با اعطای مشوق‌های هدفمند به مناطق محروم، هزینه‌های اضافی که این مناطق به شرکت‌ها تحمیل می‌کنند را جبران کند (گرین بام، ۲۰۰۴).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

نظریه تبعیض مالیاتی

تعداد زیادی از شرکت وجود دارند که هر کدام دارای سطوح متفاوتی از تقاضا برای مکان‌های مختلف هستند. همانند بحث تولید کننده انحصاری، که در حالت تبعیض، قیمت‌های متفاوتی را برای مصرف‌کنندگان وضع می‌کند، در اینجا نیز دولت نرخ‌های متفاوتی را برای مکان احداث شرکت‌ها، بسته به اندازه‌ای که شرکت قصد دارد در شهر وارد شود، مطالبه خواهد کرد. اگر مقامات محلی به دنبال کسب بالاترین درآمد برای شهر باشند، باید مالیات کمتری از شرکت‌هایی که در حاشیه شهر واقع می‌شوند و مالیات بیشتری از شرکت‌هایی که در مکان‌های غیر حاشیه‌ای قرار می‌گیرند، اخذ کند. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که دریافت‌کنندگان مشوق‌ها شرکت‌هایی هستند که در حاشیه شهر قرار دارند (گلیزر، ۲۰۰۱).

نظریه مازاد مصرف‌کننده و تولیدکننده

بر اساس دیدگاه مازاد مصرف‌کننده و تولیدکننده، مشوق‌های مالیاتی، پیشنهادهایی هستند که توسط دولت محلی برای جذب شرکت‌های جدیدی ارایه می‌شوند که برای ساکنان محلی مازاد رفاه ایجاد می‌کنند. بر اساس این دیدگاه دولت‌های محلی به دنبال حداکثر کردن رفاه ساکنان این مناطق می‌باشند و این پیشنهادها (مشوق‌های مالیاتی) منعکس کننده سطوح مختلفی از فایده‌های رفاهی هستند که دولتمردان محلی انتظار دارند نصیب ساکنان این مناطق شود. مطابق چنین ایده‌ای، زمانی‌که شرکت جدیدی وارد منطقه می‌شود، بازار داخلی نهاده‌ها (به طور عمده نیروی کار) و احتمالا بازار داخلی ستاده ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر اساس نظریه‌های معمول رفاه باعث ایجاد مازاد رفاه تولیدکننده و مصرف‌کننده برای ساکنان فعلی مناطق می‌شود (همان منبع).

نظریه فساد و نفوذ

نظریه دیگر در مورد چرایی وقوع مشوق‌های مالیاتی، مساله فساد و نفوذ می‌باشد. بر اساس این نظریه مشوق‌های مالیاتی به دنبال حداکثر کردن درآمد مالیاتی و یا حداکثر کردن رفاه ساکنان شهر نیستند و در عوض منعکس‌کننده توانایی یک شرکت در دادن رشوه به مقامات سیاسی می‌باشند. از طرف دیگر مقامات سیاسی نیز برای کسب آرا و انتخاب مجدد، از علایق گروه‌های خاصی حمایت می‌کنند. آنها مشوق های مالیاتی را راحت‌ترین روش برای جلب نظر گروه‌های خاص می‌دانند. و اغلب بدون آنکه هزینه‌های واقعی مشوق‌های مالیاتی برای عموم رای دهندگان مشخص باشد، این مشوق‌ها وارد زندگی آنها می‌شود (همان منبع).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

۳- پیشینه تحقیق

هولمز (۱۹۹۸) در مطالعه خود تلاش کرده‌است که به این سوال پاسخ دهد که آیا سیاست‌های حمایتی، که توسط برخی از ایالات آمریکا برای حمایت از فعالیت‌های کسب‌وکار اتخاذ می‌شوند، منجر به جذب صنایع می‌شوند یا خیر؟

روش شناسی هولمز، بررسی تغییرات در میزان فعالیت‌های تجاری، در هنگام عبور از مرزهای ایالات می‌باشد. اگر سیاست‌های حمایتی یک عامل تعیین‌کننده برای محل احداث صنایع باشند، انتظار بر این است که هنگام عبور از مرز مناطقِ دارای سیاست‌های حمایتی به مناطق فاقد سیاست حمایتی، سطح فعالیت‌های تجاری شدیدا کاهش یابد. نتایج مطالعه هولمز نشان می‌دهد که به‌طور متوسط زمانی که از ایالاتِ فاقد سیاست حمایتی وارد ایالات دارای سیاست حمایتی می‌شویم شاهد فعالیت‌های کارخانه‌ای شدیدا افزایش می‌یابد.

گرینبام و انگبرگ (۲۰۰۴) در مطالعه خود تاثیر برنامه EZ، را بر روی نتایج شرکت‌های تولیدی شش ایالت آمریکا (کالیفرنیا، فلوریدا، نیوجرسی، نیویورک، پنسیلوانیا و ویرجینیا) را در فاصله زمانی ۱۹۹۳-۱۹۸۴ بررسی کرده‌اند. روش استفاده شده توسط آن‌ها روش DID[1] می‌باشد که در آن تفاوت در نرخ‌های رشد دوره قبل و بعد از اجرای سیاست، مناطق هدف[2]، با گروه کنترل، مقایسه می‌شود. نرخ‌های رشد در نظر گرفته شده شامل اشتغال کل، ارزش دلاری حمل‌ونقل، دستمزد کارگران تولیدی، مخارج روی احداث ساختمان‌های جدید و مخارج سرمایه‌گذاری می‌باشند. آن‌ها از دو روش برای انتخاب گروه مقایسه استفاده کرده‌اند. در روش اول نمره‌های گرایش[3] با استفاده از رگرسیون پروبیت و به عنوان تابعی از ویژگی‌های خانوارها، فعالیت‌ها و رشد فعالیت‌ها تخمین‌زده می‌شود و مناطقی که نمره گرایش آن‌ها شبیه به‌هم می‌باشد به عنوان مناطق همسان تلقی می‌شوند. دومین روش استفاده شده توسط آن‌ها برای انتخاب گروه مقایسه، بر اساس موقعیت جغرافیایی می‌باشد، به این‌صورت که نتایج شرکت‌ها در مناطقی که در شعاع پنج مایلی بین مناطق هدف و مناطق غیر هدف قرار دارند، با هم مقایسه می‌شوند.

نتایج بدست‌آمده از تخمین‌های DID نشان می‌دهد که انتخاب شدن یک منطقه به‌عنوان منطقه هدف (واجد شرایط شدن برای دریافت مشوق‌ها) به‌طور متوسط تاثیر اندکی روی نتایج منطقه داشته‌است. همچنین استفاده از داده‌های سطح شرکت‌ها نشان‌می‌دهد که سیاست‌های مشوق مالیاتی تاثیر مثبت بر

1. Difference-in-Difference
2. Zone
3. Propensity Score

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

شرکت‌های جدید و تاثیر منفی بر شرکت‌های قبلی داشته‌است.

بوندونیو و گرینبام (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا مشوق‌های مالیات محلی رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟" تاثیر برنامه EZ را بر روی ده ایالت (کایفرنیا، کانکتیات، فلوریدا، ایندیانا، کنتاکی، مریلند، نیوجرسی، نیویورک، پنسیلوانیا و ویرجینیا) و ناحیه‌ای از ایالت کلمبیا، برای دوره ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ بررسی کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که تاثیرات مثبتی که مشوق‌ها برای مناطق هدف دارند مانند: افزایش در اشتغال، فروش و مخارج سرمایه‌گذاری در شرکت‌های موجود و جدید، بوسیله زیان‌هایی ناشی از آن‌ها مانند بسته‌شدن شرکت‌ها و جابه‌جا شدن آن‌ها جبران می‌شود.

چرینکو و ویلسون (۲۰۰۸) در مطالعه خود تاثیر اعتبارات مالیاتی برای سرمایه‌گذاری (ITC)[1] که توسط ایالات آمریکا اعطا می‌شوند را بررسی کرده‌اند. آن‌ها به منظور پاسخگویی به سوالات فوق از آمارهای پنل ۴۸ ایالت آمریکا برای یک دوره زمانی ۲۰ ساله استفاده‌کرده‌اند. مدل استفاده شده توسط آن‌ها مدل T–C[2] می‌باشد. در به‌کارگیری این مدل، فرض اساسی آن ها این است که هنگام مقایسه دو شهرستان که بوسیله مرزهای دولتی جدا شده‌اند، اثرات غیر سیاستی یکسان می‌باشد، در حالی‌که تاثیرات سیاستی یکسان نمی‌باشد. نتایج مدل T-C نشان می‌دهد که تعداد شرکت‌های کارخانه‌ای یک شهرستان در اطراف مرزهای دولتی متفاوت است. به عبارت دیگر در شهرستانی که از اعتبارات مالیاتی استفاده می‌کند و در نتیجه قیمت سرمایه پایین‌تر است، تعداد شرکت‌های کارخانه‌ای بیشتر است. اما این تفاوت از نظر اقتصادی اندک است که بیانگر این است که شرکت‌ها از جنبه کل سرمایه، کمتر تحرک‌پذیر هستند. نتایج مدل T-C همچنین آشکار می‌سازد که سیاست اعتبار مالیاتی برای سرمایه، یک بازی با مجموع صفر می‌باشد.

هنسن و رولین (۲۰۱۱) در مطالعه خود با بهره‌گیری از برنامه EZ دولت فدرال ایالت متحده، تاثیر مشوق‌های مالیاتی بر ورود شرکت‌ها را در دوره زمانی ۱۹۹۶–۱۹۹۴ بررسی کرده‌اند. استراتژی آن‌ها مقایسه مناطق EZ (مناطقی که مشوق‌های مالیاتی را دریافت کرده‌اند) و شهرهای پیرامون آن‌ها با مناطق EC (مناطقی که قبل از اجرای برنامه، مشابه مناطق EZ بوده‌اند اما مشمول دریافت مشوق‌ها نشده‌اند) و شهرهای پیرامون آن‌ها برای دیدن چگونگی تغییر این تفاوت‌ها قبل و بعد از اجرای برنامه می‌باشد. این ایده، تاثیرات برنامه EZ را از تاثیرات ثابت سه شهر جدا می‌کند زیرا امکان مقایسه مقطع زمانی را فراهم می‌کند. همچنین تاثیر برنامه EZ را از اثرات گسترش شهر در طی زمان، با فراهم کردن مقایسه درون شهری، جدا می‌کند. نتایج مطالعه آن‌ها حکایت از تاثیر مثبت و معنادار مشوق‌های مالیاتی در جذب

1. Investment Tax Credits
2. Twin-Counties

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

شرکت‌های جدید دارد.

مییر، ماینلیس و پی (۲۰۱۲) در مطالعه خود تاثیر سیاست‌های ZFU[1] فرانسه را روی تصمیمات شرکت‌ها در مورد محل احداث، بررسی کرده‌اند. هدف آنها بررسی این مساله بوده که آیا اجرای سیاست‌های حمایتی، احتمال تصمیم یک شرکت برای واقع شدن در مناطق حمایتی را افزایش می‌دهد یا خیر؟ تحلیل آنها با استفاده از داده‌های خرد و دوره زمانی بررسی شده ۲۰۰۷-۲۰۰۰ می‌باشد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این سیاست‌ها عمدتا باعث جابه‌جایی مجدد شرکت‌ها از مناطق غیر هدف یک شهر به مناطقی از شهر که مشوق‌ها را دریافت می‌کنند، می‌شود.

فلیحی و همکارانش(۱۳۸۷) در مطالعه‌ای اثر معافیت‌های مالیاتی منطقه‌ای (موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم) بر سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها از دو روش ARDL و پنل دیتا به ترتیب برای بررسی اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری صنعتی استان‌ها استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در سطح کلان، ضریب مالیات در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار است، در سطح استان‌ها اظهارنظر دقیقی در خصوص اثرگذاری مالیات بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقوقی نشده‌است.

رضایی (۱۳۸۸) بهره‌گیری از مدل رشد نئوکلاسیک و نظریه جورگنسون درباره هزینه سرمایه، اقدام به شبیه سازی مسیر سرمایه‌گذاری کرده‌است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که مشوق معافیت موضوعی و موقت مالیاتی تاثیر آن‌چنانی بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نداشته است.

عبدالملکی و شیردلیان (۱۳۹۳)، در مطالعه خود تاثیر معافیت‌های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲) را بر نرخ رشد و توسعه اقتصادی استان‌های کشور بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از یک مدل پنل دیتا در سطح استانی تاثیر این معافیت‌ها را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه حکایت از بی تاثیری این معافیت بر نرخ رشد و توسعه مناطق محروم می‌باشد.

۴- روش تحقیق

در این مطالعه برای بررسی تاثیر معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر تعداد شرکت‌های وارد شده و میزان سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته از روش SCM استفاده می‌شود. در این روش ابتدا دو گروه درمان (شهرستانهای مشمول معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ در دوره زمانی مورد مطالعه) و گروه کنترل (شهرستانهای غیرمشمول معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ در دوره زمانی مورد مطالعه) انتخاب می‌شود. سپس تعداد شرکت‌های وارد شده و میزان سرمایه گذاری در شهرستان های گروه درمان در صورت عدم

۱. این برنامه تخفیفات مالیاتی قابل توجهی را به شرکت‌های موجود و جدید در مناطق هدف می‌دهد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

شمولیت از معافیت‌های مذکور، تعیین می‌شود. بدین منظور از نتایج وزنی شهرستان‌های گروه کنترل ترکیبی استفاده می‌شود. در مرحله سوم، تفاوت میان نتایج واقعی مربوط به شهرستان‌های درمان (در دوره بعد از بهره مندی از معافیت مالیاتی) و نتایج حاصله از مرحله قبل مشخص خواهد شد.

براین اساس، برای ارزیابی اثرات معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲، بر شهرستان‌های کمتر توسعه یافته کشور، فرض می‌شود که هر شهرستان iام، کمتر توسعه یافته دو نتیجه ممکن Y_{it}^{N} و Y_{it}^{I} را در پیش‌رو دارد. نتیجه Y_{it}^{I} مربوط به زمانی است که که شهرستان مشمول برخورداری از معافیت‌های مالیاتی شده است (حالت درمان) و نتیجه Y_{it}^{N} نتایج مربوطه برای شهرستان مورد نظر در صورت عدم برخورداری از معافیت‌های مالیاتی، می‌باشد. بنابراین اثر برنامه روی واحد iام ((یعنی α_{it}) با مقایسه Y_{it}^{N} و Y_{it}^{I} مشخص می‌شود:

$$\alpha_{1t}=Y_{it}^{I}-Y_{it}^{N} \qquad (۱)$$

اما مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که به‌طور همزمان امکان مشاهده نتایج Y_{it}^{N} و Y_{it}^{I} وجود ندارد. به‌طور طبیعی زمانی که شهرستان مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌گیرد، Y_{it}^{I} حاصل می‌شود و به طور طبیعی Y_{it}^{N}، برای دوره بعد از اجرای برنامه غیر قابل مشاهده است[۱] و بنابراین به طور معمول تخمین اثر برنامه قابل محاسبه نمی‌باشد.

در روش گروه کنترل ترکیبی، تلاش می‌شود تا به منظور استخراج نتایج واحدهای درمان در صورت عدم مشارکت در برنامه(یعنی Y_{it}^{N})، از نتایج وزنی گروه کنترل استفاده کرد.

برای این منظور فرض می‌شود که یک نمونه شامل J+1 عضو (شهرستان) وجود دارد که در میان آن‌ها شهرستان j=1 واحد درمان می‌باشد (از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شده‌است و قرار است تاثیر این معافیت‌ها بر روی نتایج آن بررسی شود) و j=2 تا j=J+1 گروه مقایسه بالقوه هستند. همچنین فرض کنید $t=1,:,T_0,...T$ بیانگر دوره‌های زمانی باشند. اجرای برنامه سیاستی در زمان T_0 رخ می‌دهد بنابراین دوره $t\epsilon\{1,...,T_0\}$ بیانگر دوره زمانی قبل از اجرای سیاست و دوره $t\epsilon\{T_0+1,...T\}$ دوره زمانی بعد از اجرای سیاست می‌باشد.

هدف روش گروه کنترل ترکیبی (SCM)، ایجاد یک گروه ترکیبی است که منجر به تخمین قابل قبولی برای Y_{it}^{N} شود.

۱. دلیل آن این است که یک واحد یا تحت درمان قرار می‌گیرد که Y_{it}^{I} حاصل می‌شود و یا قرار نمی‌گیرد که Y_{it}^{N} حاصل می‌شود و نه هردو.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

فرض می‌شود که Y_{it}^{N} توسط یک مدل عاملی (FM[1]) به صورت زیر حاصل می‌شود:

$$Y_{it}^{N}=\delta_t+\theta_t Z_i+\lambda_t\mu_i+\varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در آن:

δ_t: یک عامل مشترک ناشناخته با وزن عاملی ثابت در بین واحدها

Z_i: یک بردار (r×۱) از ویژگی‌های قابل مشاهده‌ای که تحت تاثیر برنامه قرار نمی‌گیرند

θ_t: یک بردار (r×۱) از پارامترهای ناشناخته

λ_t: یک بردار (۱×F) از عوامل مشترک غیر قابل مشاهده

μ_i: یک بردار (F×۱) از وزن‌های عاملی ناشناخته

و ε_{it} شوک‌های لحظه‌ای غیر قابل مشاهده که دارای میانگین صفر هستند، می‌باشد.

حال یک بردار (J×۱) از وزن‌ها به صورت $W=(w_2,...w_{j+1})'$ تعریف می‌شود به طوری‌که:

$$0 \le w_j \le 1 \qquad \text{for} \quad j=2,....J \quad (۳)$$

و همچنین:

$$w_2+...+w_{j+1}=1 \quad (۴)$$

با انتخاب هر مقدار خاص از W در واقع یک گروه کنترل ترکیبی بالقوه ایجاد شده است. مقادیر متغیر بازدهی به ازای هر مقدار بردار W به صورت زیر است:

$$\Sigma_{j=2}^{J+1}w_j\ Y_{jt}=\delta_t+\theta_t\Sigma_{j=2}^{J+1}w_jZ_j+\lambda_t\Sigma_{j=2}^{J+1}w_j\ \mu_j+\Sigma_{j=2}^{J+1}w_j\varepsilon_{jt} \quad (۵)$$

حال فرض کنید مجموعه‌ای از وزن‌های بهینه $W^*=(w_2^*,\ldots,w_{J+1}^*)$ وجود دارد به طوری‌که:

$$\Sigma_{j=2}^{J+1} w_j^*Y_{j1}=Y_{11}\ ,\ \Sigma_{j=2}^{J+1} w_j^*Y_{j2}=Y_{12},.....,\ \Sigma_{j=2}^{J+1} w_j^*Y_{jT0}=Y_{1T0}\ , \quad (۶)$$

$$\Sigma_{j=2}^{J+1} w_j^*Z_j=Z_1$$

آبادی و دیگران (۲۰۰۳) ثابت کرده‌اند که چنانچه $\Sigma_{t=1}^{T0}\ \lambda_t'\lambda_t$ غیر منفرد باشد بنابراین:

1. Factor Model

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

$$Y_{1t}^{N} - \sum_{j=2}^{J+1} w_j^* Y_{jt} = \sum_{j=2}^{J+1} w_j^* \sum_{s=1}^{T_0} \lambda_t \left(\sum_{n=1}^{T_0} \lambda_n' \lambda_n\right)^{-1}) \lambda_s' (\varepsilon_{js} - \varepsilon_{1j}) - \sum_{j=2}^{J+1} w_j^* (\varepsilon_{jt} - \varepsilon_{1t}) \quad (۷)$$

همچنین آن‌ها ثابت کرده‌اند که تحت شرایط استاندارد، میانگین سمت راست معادله فوق به صفر نزدیک خواهد شد، بنابراین برای دوره $t\epsilon\{T_0+1, \ldots, T\}$ تخمین زن α_{1t} به صورت زیر خواهد بود:

$$\hat{\alpha}_{1t} = Y_{1t} - \sum_{j=2}^{J+1} w_j^* Y_{it} \quad (۸)$$

همچنین متوسط اثر برنامه برای دوره‌های بعد از اجرای برنامه از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\hat{\alpha}_{1t} = \frac{1}{T-T_0+1} \sum_{t=T_0+1}^{T} Y_{1t} - \frac{1}{T-T_0+1} \sum_{t=T_0+1}^{T} \sum_{j=2}^{J+1} w_j^* Y_{jt} \quad (۹)$$

- محاسبه وزن ها

برای محاسبه وزن‌های بهینه، w_j^*، ماتریس X_1 با ابعاد $(k\times1)$ که حاوی ویژگی‌های واحد درمان $(j=1)$ مربوط به دوره قبل از اجرای برنامه است، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$X_1 = (U_1', \bar{y}_1^{k_1}, \ldots \bar{y}_1^{k_M})' \quad (۱۰)$$

همچنین بردار X_0 با ابعاد $(k\times J)$ حاوی مقادیر مشابه برای واحدهای کنترل می‌باشد، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$X_0 = (U_i', \bar{y}_1^{k_1}, \bar{y}_1^{k_M})' \quad (۱۱)$$

به منظور ایجاد شبیه‌ترین گروه کنترل ترکیبی، W باید به گونه‌ای انتخاب شود که فاصله $\|X_1 - X_0 W\|$ نسبت به محدودیت‌های (۳) و (۴)، حداقل شود. به‌طور ویژه با پیروی از آبادی و گردزبال (۲۰۰۳)، وزن‌های بهینه (W^*) از حداقل کردن تابع زیر با توجه به محدودیت‌های (۳) و (۴)، حاصل می‌شود:

$$\|X_1 - X_0 W\| = \sqrt{(X_1 - X_0 W)' V (X_1 - X_0 W)} \quad (۱۲)$$

در رابطه ۸ ماتریس V یک ماتریس $(k\times k)$ متقارن است. این ماتریس برای این منظور لحاظ شده‌است که به متغیرها با توجه به اهمیتی که در پیش‌بینی متغیر بازدهی دارند، وزن‌های متفاوتی داده شود. انتخاب بهینه V به گونه‌ای انجام می‌شود که میانگین مربع خطای تخمین‌زننده‌های گروه کنترل ترکیبی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

(MSPE) برای دوره قبل از درمان، که به صورت زیر تعریف می‌شود، حداقل باشد:

$$MSPE=(y-y_0\ W^*)'(y-y_0W^*) \quad (۱۳)$$

۵- تخمین مدل

هدف از این مطالعه، برآورد تاثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ هیات وزیران، بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته کشور، می‌باشد. سطح جغرافیایی انتخاب شده به منظور برآورد تاثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲، کلیه شهرستان‌های کشور برای دوره زمانی ۱۳۸۷- ۱۳۷۵ می‌باشد. انتخاب واحد جغرافیایی شهرستان به این دلیل است که کوچکترین واحد جغرافیایی که برای آن آمار مورد نظر در دسترس می‌باشد، واحد شهرستان می‌باشد. همچنین انتخاب این دوره زمانی به این دلیل صورت پذیرفته است که برای استفاده از روش SCM، نیاز به چند دوره زمانی قبل از اجرای سیاست است (اجرای سیاست ابتدای سال ۱۳۸۱ بوده است). بنابراین، دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ به عنوان سال‌های قبل از اجرای سیاست انتخاب می‌شوند همچنین به دلیل تغییرات ایجاد شده در لیست مناطق مشمول معافیت‌های مالیاتی ماده ۲۳۱ در سال ۱۳۸۸،[۱] دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۸۱ به عنوان دوره زمانی بعد از اجرای سیاست در نظر گرفته شده‌است.

از میان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته کشور، ۱۴ شهرستان (شامل فریدن، سلماس، مهاباد، میاندوآب، سنقر، کنگاور، اندیمشک، بهبهان، دزفول، لارستان، بردسیر، نی‌ریز، تنگستان و آستارا) پس از سال ۱۳۸۰ به عنوان شهرستان مشمول معافیت مالیاتی انتخاب شده‌اند که به عنوان گروه درمان انتخاب می‌شوند، همچنین ۳۰ شهرستان کشور (شامل آشتیان، تفرش، ابهر، کاشان، دلیجان، محلات، کردکوی، آستانه اشرفیه، بندرانزلی، فومن، قائم‌شهر، آمل، لاهیجان، تنکابن، رامسر، ساوه، محمودآباد، مرند، شبستر، آباده، خوانسار، شهرضا، گلپایگان، تفت، مهریز، سیرجان، اسدآباد، برخوار و میمه، میبد و گرمسار) در هیچکدام از دوره‌های زمانی قبل از اجرای سیاست و بعد از اجرای سیاست مشمول این قانون نبوده‌اند که به عنوان گروه کنترل انتخاب می‌شوند.

در این مطالعه ابتدا برای هر کدام از شهرستان‌های درمان با استفاده از روش (SCM) یک گروه کنترل

۱. در فاصله سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ شهرستان‌های کشور در دو گروه کمتر توسعه یافته مشمول دریافت معافیت مالیاتی و توسعه یافته تقسیم‌بندی می‌شدند. در سال ۱۳۸۸ دولت برخی از بخش‌های شهرستان‌های توسعه یافته را به لیست مناطق مشمول دریافت معافیت مالیاتی ماده ۱۳۲ اضافه کرد (در مورد اکثر شهرستان‌های توسعه یافته این اتفاق رخ داده است) و چون اطلاعات آماری مربوط به بخش‌های جغرافیایی کشور به منظور تعدیل داده‌ها، وجود ندارد ناگزیر سال ۱۳۸۷ به عنوان سال انتهای دوره زمانی منظور شده است. علاوه بر این چنانچه سال‌های پس از اجرای برنامه طولانی باشد ممکن است اثر سیاست با سایر سیاست‌های حمایتی دولت تداخل پیدا کند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

ترکیبی ایجاد می‌شود و سپس متوسط اثر معافیت‌های مالیاتی برای دوره بعد از اجرای برنامه، با استفاده از رابطه (۹) برآورد می‌شود. به منظور پیدا کردن وزن‌های بهینه با استفاده از رابطه (۱۲)، نیاز به تعیین متغیرهای وارد شده در ماتریس U_i می‌باشد. همانگونه که قبلا اشاره شد این متغیرها شامل متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، متغیرهای بازدهی (میزان سرمایه‌گذاری و تعداد شرکت‌ها) می‌باشند. در مورد انتخاب این متغیرها اکثر مطالعات تجربی متکی بر فرض قابلیت چشم‌پوشی[1] هستند. به این معنا که فرض می‌شود هیچ تفاوت قابل مشاهده‌ای میان گروه کنترل و درمان مشرط به ویژگی‌های ساخته شده وجود ندارد. به منظور تامین این شرط لازم است تا در فرایند همسان‌سازی همه متغیرهایی وارد شوند که گمان می‌رود با انتخاب درمان و نتایج متغیر بازدهی مرتبط هستند (کشاورز حداد، ۱۳۹۰).

متغیرهای فاصله شهرستان تا مرکز استان، تعداد واحدهای بانکی، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی و تعداد مراجعات به کتابخانه‌ای عمومی، درصد باسوادی جمعیت شش ساله به بالا، ضریب محرومیت شهرستان و تراکم جمعیت (همگی مربوط به سال ۱۳۸۰) متغیرهای غیر اقتصادی هستند که به صورت غیر مستقیم روی متغیر بازدهی (سرمایه‌گذاری و تعداد شرکت‌ها) تاثیرگذار هستند. ضریب محرومیت شهرستان، ضریب مربوط به خدمات پزشکی و پیراپزشکی می‌باشد. هر شهرستان با توجه به برخورداری از این خدمات ضریبی دریافت می‌کند. این ضرایب به پیشنهاد وزارت بهداشت و تصویب هیات وزیران تعیین می‌شوند. در واقع این متغیر به همراه سرانه تعداد مراکز بهداشتی و درمانی، وضعیت بهداشت هر شهرستان را تعیین می‌کند و سایر متغیرهای غیر اقتصادی از سالنامه آماری استان‌های کشور استخراج شده‌اند. همچنین متغیرهای موجودی سرمایه در پایان سال ۱۳۸۰، سرانه تولیدات صنعتی و ارزش تولیدات صنعتی (دو مورد آخر مربوط به دوره ۱۳۸۰-۱۳۷۵) متغیرهایی هستند که مستقیما در ارتباط با متغیر بازدهی هستند. این متغیرها از طرح آمارگیری از واحدهای صنعتی کشور مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند. از آنجایی‌که تعداد متغیرهای پیش‌بینی کننده زیاد می‌باشد، با استفاده از مدل PSM متغیرهای غیر اقتصادی را یک متغیر متراکم می‌کنیم. مدل PSM که اواین بار توسط روزبائم و روبین (۱۹۸۳) مطرح شد در واقع احتمال اینکه یک شهرستان به عنوان منطقه هدف انتخاب شود با استفاده از رگرسیون لاجستیک و به عنوان تابعی از ویژگی‌های قابل مشاهده تخمین‌زده می‌شود:

$$P_r(y=1)=\frac{e^{\beta' x}}{1+e^{\beta' x}} \qquad (۱۴)$$

1. Ignorability

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

که در آن P_r (y=1) احتمال انتخاب شدن شهرستان y به عنوان شهرستان مشمول معافیت مالیاتی می‌باشد و x شامل متغیرهای فاصله شهرستان تا مرکز استان، تعداد واحدهای بانکی، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی و تعداد مراجعات به کتابخانه‌ای عمومی، درصد باسوادی جمعیت شش ساله به بالا، ضریب محرومیت شهرستان و تراکم جمعیت می‌باشد. احتمال‌های تخمین زده شده از معادله (۱۴) نمره‌های گرایش نیز نامیده می‌شوند، با استفاده از نرم‌افزار R و پکیج Matching نمره‌های گرایش محاسبه می‌شوند. در جدول شماره (۱) پیوست نمره‌های گرایش برآورد شده نمایش داده شده است. نمره‌های گرایش برآورد شده به همراه متغیرهای موجودی سرمایه در پایان سال، سرانه تولیدات صنعتی، ارزش تولیدات صنعتی و اشتغال، بردار U_i را تشکیل می‌دهند. بردار U_i به همراه ترکیبات خطی متغیر بازدهی (سرمایه‌گذاری و تعداد شرکت‌ها)[1] ماتریس X را که به منظور تخمین معادله (۱۲) نیاز است، تشکیل می‌دهند.

در جدول (۱) گروه کنترل ایجاد شده برای هر کدام از شهرستان‌های درمان و همچنین وزن‌های بهینه آنها (W^*) در ساخت گروه کنترل ترکیبی، که با استفاده از نرم افزار R تخمین زده شده است، آورده شده‌است. این فرایند یکبار برای متغیر سرمایه‌گذاری و یکبار برای متغیر تعداد شرکت انجام شده است. در این جدول، ستون اول نشان دهنده شهرستان‌های درمان (شهرستان‌های مشمول معافیت مالیاتی) می‌باشد و ستون دوم و سوم گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده برای هر شهرستان درمان را نشان می‌دهد. نتایج منکعس شده در ستون دوم و سوم به ترتیب نتایج مربوط به متغیر سرمایه‌گذاری صنعتی شرکت‌ها و تعداد شرکت، می‌باشند. به عنوان مثال در گروه کنترل ایجاد شده برای شهرستان درمان فریدن مربوط به متغیر سرمایه‌گذاری، شهرستان‌های تفرش با وزن ۰/۵۵، خوانسار با وزن ۰/۲۳ و اسدآباد با وزن ۰/۲ نقش داشته‌اند. در شکل شماره (۱) و (۲) به عنوان نمونه، روند تعداد شرکت‌ها و روند سرمایه‌گذاری، شهرستان فریدن در مقایسه با گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده، نمایش داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود روند این متغیرها مربوط به دوره قبل از درمان (سال‌های قبل از ۱۳۸۰)، بسیار شبیه گروه کنترل ایجاد شده می‌باشد که نشاندهنده این است که روش SCM به خوبی توانسته گروه کنترل مناسب را ایجاد کند.

۱. بدلیل اینکه دو متغیر بازدهی سرمایه‌گذاری و تعداد شرکت‌ها وجود دارد، فرایند تخمین یکبار برای متغیر سرمایه‌گذاری و یکبار برای متغیر تعداد شرکت‌ها انجام می‌گیرد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

جدول (۱)- گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده توسط روش SCM (مقادیر داخل پرانتز وزن‌های بهینه می‌باشند)

نام شهرستان درمان	گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده (متغیر سرمایه‌گذاری)	گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده (متغیر تعداد شرکت)
فریدن	تفرش(۰/۵۵) – خوانسار(۰/۲۳) – اسدآباد (۰/۲۰)	خوانسار(۰/۷۵۷) – محلات(۰/۲۳۶)
سلماس	اسد آباد(۰/۵۵)– آباده(۰/۳۷)– لاهیجان(۰/۶۰)	آباده(۰/۴۹) – خوانسار(۰/۴۱)– آشتیان(۰/۰۹)
مهاباد	فومن۰/۵۲– اسد آباد(۰/۲۴)– تفرش (۰/۲۳)	خوانسار(۰/۵۰) – آباده(۰/۴۷)– ساوه(۰/۰۱۴) –برخوار و میمه(۰/۰۱۲)
میاندوآب	آباده(۰/۷۶) خوانسار(۰/۱۲)– شهرضا(۰/۰۷) – سیرجان(۰/۰۲)	لاهیجان(۰/۷۲)– فومن(۰/۲۴)– کاشان(۰/۰۲)
سنقر	تفرش(۰/۸۰۴)– آباده(۰/۱۹۵)	تفرش(۰/۶۲)– آشتیان(۰/۲۲)–آباده(۰/۱۵)
کنگاور	اسدآباد(۰/۴) – تفرش(۰/۳۸)– آشتیان(۰/۱۹)– قائ شهر(۰/۰۲)	تفرش(۰/۶۷)– سیرجان(۰/۳۲)
اندیمشک	آباده(۰/۹۲)–تفرش(۰/۰۶)– کاشان(۰/۰۱)	رامسر(۰/۷۷)–خوانسار(۰/۱۵)– اسدآباد(۰/۰۶)
بهبهان	تفرش(۰/۸۳)–شبستر(۰/۰۸)– قائم‌شهر(۰/۰۶)	تفرش(۰/۷۷)– قائم‌شهر(۰/۱۱)– تفت(۰/۰۶)– شبستر(۰/۰۳)
دزفول	اسداباد(۰/۷۷)–سیرجان(۰/۲۱)– کاشان(۰/۰۱)	سیرجان(۰/۶۹)–آباده(۰/۲۹)– کاشان(۰/۱۰)
لارستان	خوانسار(۰/۷۳)– تفرش(۰/۲۹۵)–	رامسر(۰/۷۴)–اسدآباد(۰/۲۵)
نی ریز	فومن(۰/۶۱)–خوانسار(۰/۳۸)	خوانسار(۰/۹۲)– ساوه(۰/۰۵)– کاشان(۰/۰۱)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

نام شهرستان درمان	گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده (متغیر سرمایه‌گذاری)	گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده (متغیر تعداد شرکت)
بردسیر	تفرش(۰/۵۹)-مهریز(۰/۱۸)-آشتیان(۰/۱۲)-شبستر(۰/۰۸)	تفرش(۰/۸۹)-شبستر(۰/۱۰)
تنگستان	اسدآباد(۰/۵۵)- آباده(۰/۲۴) - تفت(۰/۱۸)-کردکوی(۰/۰۲)-	تفرش(۰/۸۷)-سیرجان(۰/۰۹)-تفت(۰/۰۱۷)
آستارا	تفرش(۰/۷۳)- فومن(۰/۱۱)-تفت(۰/۱۵)	تفرش(۰/۷۳)-تفت(۰/۱۲)- فومن(۰/۱۱)-آستانه اشرفیه(۰/۰۳)

منبع: محاسبات تحقیق

شکل (۱)- روند تعداد شرکتهای شهرستان فریدن در مقایسه با گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده

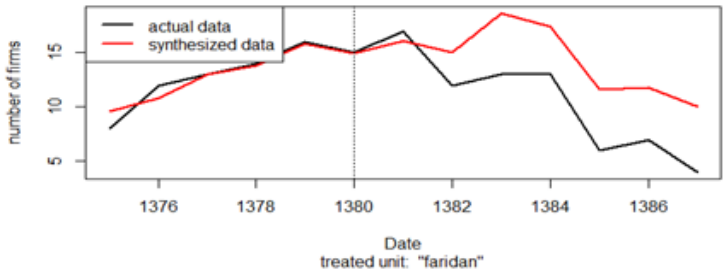

شکل (۲)- روند سرمایه گذاری شهرستان فریدن در مقایسه با گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده

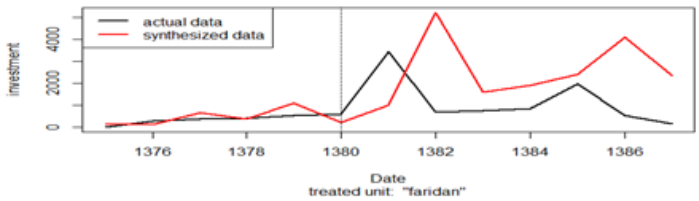

با مقایسه نمودار شهرستان‌های درمان با گروه کنترل ترکیبی ایجاد شده برای سال‌های بعد از اجرای برنامه، می‌توان اثر برنامه را مشاهده کرد. در واقع اختلاف نمودارها بعد از سال ۱۳۸۰ بیانگر اثر معافیت‌های مالیاتی می‌باشد. به عنوان مثال، با مراجعه به شکل‌های (۱) و (۲) می‌توان اثر معافیت‌های مالیاتی بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در شهرستان درمان فریدن را ملاحظه کرد. برای شهرستان فریدن ظاهرا

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

معافیت‌های مالیاتی تاثیر منفی بر روند این دو متغیر داشته‌اند.

در جدول (۲) تاثیر معافیت‌های مالیاتی بر تعداد شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری برای دوره بعد از اجرای معافیت‌های مالیاتی، آورده شده است. اعداد جدول (۲) از جمع اثرات برنامه در سال‌های بعد از برنامه و تقسیم بر تعداد سال‌های بعد از اجرای برنامه حاصل شده‌اند و در واقع بیانگر میانگین تاثیر معافیت‌های مالیاتی بر تعداد شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری هستند. اعداد جدول (۲) حکایت از این دارد که معافیت‌های مالیاتی باعث افزایش سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های مهاباد، کنگاور، بهبهان، لارستان و نی‌ریز شده است و در مقابل سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های سلماس، میاندوآب، سنقر، اندیمشک، دزفول، بردسیر، تنگستان و آستارا کاهش یافته است. در مورد تاثیر بر تعداد شرکت‌ها نیز در برخی شهرستان‌ها این متغیر افزایش یافته و در پاره‌ای کاهش یافته است.

۶- استنباط آماری

اما نتایج بدست آمده تا چه اندازه از نظر آماری معنادار می‌باشند؟ به‌طور کلی استفاده از روش‌های متداول استنباط آماری در چنین مطالعاتی، بدلیل ماهیت کوچک نمونه‌ها، غیاب آزمایشات تصادفی و این واقعیت که انتخاب نمونه به صورت غیر تصادفی انجام می‌شود، بسیار مشکل است. آبادی و دیگران (۲۰۱۰) برای اندازه‌گیری اهمیت آماری نتایج حاصل شده از روش گروه ترکیبی، آزمون‌هایی را ترتیب دادند این آزمون‌ها که به آزمون‌های دارونما[1] معروف هستند، روش جایگزینی برای استنباط کمی و کیفی هستند.

استفاده از نتایج آزمون‌های دارونما، امکان محاسبه آماره P و در نتیجه آزمون فرضیه معنی‌داری نتایج را امکان‌پذیر می‌کند. به این صورت که بعد از انجام مرحله سوم روش SCM، به منظور انجام آزمایش دارونما، با مفروض گرفتن هر یک از اعضای گروه کنترل به عنوان واحد درمان و با در نظر گرفتن بقیه اعضای گروه کنترل به عنوان واحدهای کنترل، فرایند تخمین همانند قبل انجام می‌شود. انجام این تخمین‌ها موجب ایجاد مجموعه‌ای از تخمین‌ها در مورد اثرات برنامه می‌شود. حال آماره p به صورت محاسبه کسری از نتایج بدست آمده که بزرگتر یا مساوی اثرات تخمین زده شده برای واحد درمان واقعی است، محاسبه می‌شود. اگر Z نشان‌دهنده آماره آزمون (به صورت قدر مطلق) محاسبه شده با استفاده از داده‌های واحدهای درمان (شهرستان‌های مشمول معافیت مالیاتی) و گروه کنترل ترکیبی مرتبط با آن با وزن‌های $\{w_j\}$ باشد و Z^k نشان‌دهنده نسخه‌ای از Zها که با استفاده از K امین واحدهای دارونما (۳۰ شهرستان غیر مشمول معافیت مالیاتی) و گروه کنترل مرتبط با آنها، با وزن‌های $\{w_j^{(k)}\}$، بدست آمده باشند. اگر چناچه کلا K دفعه واحدهای دارونما را به طور تصادفی تشکیل دهیم حاصل آن ایجاد

1. Placebo

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

مجموعه مقابل $(Z^{(1)},Z^{(2)},...,Z^{(k)})$ خواهد بود. بنابراین آماره P را به صورت زیر می‌توان محاسبه نمود:

$$P=\frac{\{\#K:Z^{k}<Z\}}{K} \quad (۱۵)$$

مقادیر محاسبه شده آماره P به تفکیک هر شهرستان درمان در جدول (۲) ارائه شده است. نتایج آماره P حکایت از این دارد که از نظر آماری شواهدی برای تاثیرگذاری معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر میزان سرمایه‌گذاری و تعداد شرکت‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته مطالعه شده، وجود ندارد.

جدول (۲)- تخمین اثر معافیت‌های مالیاتی با استفاده از روش SCM[۱]

نام شهرستان درمان	تخمین اثر معافیت مالیاتی روی سرمایه‌گذاری	تخمین اثر معافیت مالیاتی روی تعداد شرکت‌ها
فریدن	-۱۴۵۳/۵۵ (۰/۸۳)	-۴ (۰/۶۷)
سلماس	-۹۴۸۵/۹۹ (۰/۵۵)	۳/۲۴ (۰/۶۸)
مهاباد	۱۲۹۷۱/۳۵ (۰/۲۳)	۱/۷۸ (۰/۴۷)
میاندوآب	-۴۴۲۷۷/۲۶ (۰/۶)	۲/۴۲ (۰/۴)
سنقر	-۲۹۵/۱۷ (۰/۳۳)	-۳/۲۸ (۰/۴۷)
کنگاور	۴۸۱۱/۲۸ (۰/۳)	۷/۴ (۰/۴۴)
اندیمشک	-۴۴۸۶ (۰/۶)	-۱/۳۴ (۰/۵۷)

۱. مقادیر داخل پرانتز آماره P هستند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

نام شهرستان درمان	تخمین اثر معافیت مالیاتی روی سرمایه‌گذاری	تخمین اثر معافیت مالیاتی روی تعداد شرکت‌ها
بهبهان	۲۸۶۵۵/۱۶ (۰/۲۵)	۰/۳۹ (۰/۳۴)
دزفول	-۳۵۴۷۵ (۰/۱۹)	۱۱/۲۸ (۰/۲۵)
لارستان	۴۷۴/۱۵ (۰/۳۸)	۵/۸۹ (۰/۴۱)
نی ریز	۴۰۶۴/۲۷ (۰/۶۴)	۳۸/۸۵ (۰/۴۱)
بردسیر	-۲۶۹۵/۸۱ (۰/۴۲)	-۶/۲۵ (۰/۴)
تنگستان	-۷۴۷۹ (۰/۳۸)	-۵/۳۷ (۰/۳۷)
آستارا	-۴۴/۹۸ (۰/۲۱)	-۴ (۰/۲۷)

منبع: محاسبات تحقیق

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از امتیازات مالیاتی برای تاثیرگذاری بر اقتصاد منطقه‌ای استفاده می‌شود، هرچند اغلب سرمایه‌گذاران اظهار می‌کنند که این مشوق‌ها در مقایسه با سایر موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری (مانند عدم اطمینان در مواضع سیاسی دولت، ناپایداری سیاسی، دسترسی به نیروی کار متخصص، وجود زیرساخت‌ها) چندان تاثیرگذار نیستند. از آنجا که نظام مالیاتی ایران شامل تعداد زیادی از اشکال مشوق‌های مالیاتی است، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها در مناطق کمتر توسعه یافته کشور انجام شده است. هر چند این ماده قانونی در سال ۱۳۶۶تحت عنوان ماده ۱۳۲ به تصویب رسید اما در چندین مرحله مورد بازنگری قرار گرفت.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

آنچه در مطالعه حاضر مورد نظر می‌باشد، اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ هیات وزیران می‌باشد که به موجب آن "درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش‌های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه‌های ذیربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود، از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صددرصد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده (۱۰۵) این قانون معاف هستند.

کلیه شهرستان‌های کشور در قلمرو زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۵، به عنوان جامعه آماری مطالعه، مد نظر قرار گرفتند. در مطالعه انجام شده از روش گروه کنترل ترکیبی (SCM) استفاده شده است. در این روش به منظور محاسبه نتایج در حالت عدم بهره‌مندی شهرستان‌های درمان از معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲، از ترکیب وزنی نتایج شهرستان کنترل (شهرستان‌های غیر مشمول معافیت‌های مالیاتی مذکور) استفاده می‌شود. مزیت روش SCM این است که انتخاب گروه کنترل به‌طور سیستماتیک و از یک فرایند بهینه‌یابی حاصل می‌شوند به‌علاوه استفاده از این روش امکان محاسبه آماره P، که به طور معمول امکان محاسبه آن در این گونه مطالعات به دلیل اندازه کوچک نمونه و عدم انتخاب نمونه به صورت تصادفی امکان پذیر نمی‌باشد، را فراهم می‌سازد.

نتایج این مطالعه حکایت از این دارد که روش SCM به خوبی توانسته با استفاده از اطلاعات دوره زمانی قبل از اجرای سیاست (اجرای سیاست سال ۱۳۸۱ بوده است) برای هر شهرستان درمان، یک گروه کنترل مناسب ایجاد کند و بر این اساس نشان دهد که معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ تاثیری بر ورود شرکت‌ها و میزان سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های کمتر توسعه یافته نمونه مورد مطالعه نداشته‌اند. با عنایت به نتیجه کلی این مطالعه، محاسبه مخارج مالیاتی حاصل از اعطای معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲، و لحاظ کردن آن‌ها در لوایح بودجه، مقایسه اثرگذاری معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲، با سایر مشوق‌های هدفمند توسعه اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی (مانند اشتغال و سرمایه‌گذاری) در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته، و بازنگری در انواع معافیت‌های مالیاتی مقرر پیشنهاد می‌شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

فهرست منابع

۱. رضایی، ابراهیم (۱۳۸۸). "نقش مشوق‌ها و نرخ‌های موثر مالیاتی در پویایی سرمایه‌گذاری: رویکرد اقتصاد کلان"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۷، صفحه ۸۴-۶۵.

۲. کشاورز حداد، غلامرضا (۱۳۹۵). اقتصاد سنجی داده‌های خرد و ارزیابی سیاست. نشر نی.

۳. عبدالملکی، ح. و شیردلیان، ش.(۱۳۹۳). "تحلیل معافیت‌های مالیاتی بر کارایی اقتصادی منطقه‌ای (مطالعه موردی معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲). فصلنامه پژوهش‌های مالیات.شماره۲۰.

۴. فلیحی،ن.خان جان،ع و غلامی، الهام (۱۳۸۷). "بررسی اثر معافیت‌های مالیاتی منطقه‌ای (موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم)"، طرح تحقیقاتی. پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.

۵. قانون مالیات‌های مستقیم (به اهتمام محمد قاسم پناهی)(۱۳۹۴). تهران: بلاغ دانش.

۶. موسوی جهرمی، یگانه، عبدی، محمدرضا و غلامی، الهام (۱۳۹۴). "محاسبه مخارج مالیاتی سیستم مالیات بر ارزش افزودهٔ ایران"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۳ (مسلسل ۷) ، صفحه ۶۹-۴۵.

7. Abadie, Alberto, Alexis Diamond, and Jens Hainmueller (2010). “Synthetic Control Methods for Comparative Case Studies: Estimating the Effect of California’s Tobacco Control Program” , Journal of the American Statistical Association, No 105, 493–505.

8. Abadie, Alberto, Alexis Diamond, and Jens Hainmueller (2010). “Synthetic Control Methods for Comparative Case Studies: Estimating the Effect of California’s Tobacco Control Program” , Journal of the American Statistical Association, No 105, 493–505.

9. Bartik, Timothy (1991). Who benefits from state and local economic development policies? W. E. Upjohn Institute for Employment Research.

10. Bondonio, Danniele, and Robert T. Greenbaum (2007). “Do Local Tax Incentives Affect Economic Growth? What Mean Impacts Miss in the Analysis of Enterprise Zone Policies” , Regional Science & Urban Economics, Vol. 37, No. 1, pp 121-136.

11. Chirinko, Robert S. Wilson, Daniel J (2008). State Investment Tax Incentives:

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]

A Zero-Sum Game? Journal of Public Economics, VOL.92, Issue 12. PP. 2362-2384

12. Glaeser, E.(2001). “The Economic of Location Based Tax Incentives”, Harvard Institute of Economic Research. Discussion Paper, No 1932.
13. Greenbaum, R.T. (2004). “Siting it right: do states target economic distress when designating enterprise zones?”. Economic Development Quarterly 18, 67–70.
14. Greenbaum, R. Engberg,J (2004). “The Impact of State Enterprise Zones on Urban Manufacturing Establishments”. Journal of Policy Analysis and Management. VOL23. Issue2.PP.315-339.
15. Mayer, Thierry. Mayneris, Florian, and Py ,Loriane .(2012). The Impact of Urban Enterprise Zones on Establishments' Location Decisions: Evidence from French ZFUs. Centre for Economic Policy Research
16. Hanson, Andrew, and Rohlin, Shawn (2011). “Do Location-Based Tax Incentives Attract New Business Establishments?”, Journal of Regional Science, VOL. 51, NO. 3, pp. 427–449.
17. Holmes, J.Thomas (1998). “The Effect of State Policies on the Location of Manufacturing: Evidence from State Borders”. Journal of Political Economy, Vol.106,No 4. PP. 667-705
18. Rosenbaum, Paul; Donald, R. & B. Rubin, (1983), "The Central Role of the Propensity Score in Observational Studies for Causal Effects", Biometrika, Vol. 70, No. 1, PP. 41–55,

[Downloaded from taxjournal.ir on 2025-12-16]